

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه فدکیه

حضرت زهرا علیها السلام

معاونت امور فرهنگی و جوانان مسجد حضرت قائم (عج) ارومیه

فاطمیه ۱۳۹۳

خطبتها عليها السلام بعد غضب الفدك

روى انه لما أجمع أبو بكر وعمر علي منع فاطمة عليها السلام فدكاً وبلغها ذلك، لاثت خمارها علي رأسها، واشتملت بجلبابها، وأقبلت في لمة من حفدتها و نساء قومها، تطأ ذيوها، ما تخرم مشيتها مشية رسول الله صلى الله عليه وآله، حتى دخلت علي أبي بكر، وهو في حشد من المهاجرين و الانصار و غير هم، فنيطت دونها ملاءة فجلست، ثم أنت أنة أجهش القوم لها بالبكاء، فارتجّ المجلس، ثم أمهلت هنيئة.

حتى اذا سكن نشيج القوم و هدأت فورتهم، افتتحت الكلام بحمد الله و الثناء عليه و الصلاة علي رسوله، فعاد القوم في بكائهم، فلما أمسكوا عادت في كلامها فقالت عليها السلام

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أَنْعَمَ، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَيَّ مَا أَلْهَمَ، وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عُموم نَعَمِ إِبْتَدَأَهَا، وَ سُبُوغِ الْإِئْسَادَاهَا، وَ تَمَامِ مِثْنِ أَوْلَاهَا، جَمَّ عَنِي الْإِحْصَاءُ عَدْدُهَا، وَ نَأَى عَنِ الْجُزْأِ أَمْدُهَا، وَ تَفَاوَتْ عَنِي الْإِذْرَاكِ أَبْدُهَا، وَ نَدَبُهُمْ لِاسْتِرَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا، وَ اسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا، وَ نَفِي بِالْتَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا.

خطبه آن حضرت بعد از غضب فدک

روایت شده: هنگامی که ابو بکر و عمر تصمیم گرفتند فدک را از حضرت فاطمه عليها السلام بگیرند و این خبر به ایشان رسید، لباس بتن کرده و چادر بر سر نهاد، و با گروهی از زنان فامیل و خدمتکاران خود



بسوی مسجد روانه شد، در حالیکه چادرش به زمین کشیده می‌شد، و راه رفتن او همانند راه رفتن پیامبر خدا بود، بر ابوبکر که در میان عده‌ای از مهاجرین و انصار و غیر آنان نشسته بود وارد شد، در این هنگام بین او و دیگران پرده‌ای آویختند، آنگاه ناله‌ای جانسوز از دل برآورد که همه مردم بگریه افتادند و مجلس و مسجد بسختی به جنبش درآمد.

سپس لحظه‌ای سکوت کرد تا همه‌مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و خروش ایشان آرام یافت، آنگاه کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود:

حمد و سپاس خدای را بر آنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود، و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد، از نعمتهای فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد، و منت‌های بی‌شماری که ارزانی داشت، که شمارش از شمردن آنها عاجز، و نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است، و مردمان را فراخواند، تا با شکرگذاری آنها نعمتها را زیاده گردانند، و با گستردگی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجه ساخت، و با دعوت نمودن به این نعمتها آنها را دو چندان کرد.

وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةٌ جَعَلَ الْإِخْلَاصَ
تَأْوِيلَهَا، وَضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْضُوعَهَا، وَأَنَارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا، الْمُتَمَتِّعُ



عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَيْتُهُ، وَمِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتُهُ، وَمِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ.
 ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا بِإِلْحَادٍ أَمِيلَةٍ
 اِمْتَثَلَهَا، كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ وَ ذَرَأَهَا بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى
 تَكْوِينِهَا، وَ لَا فَائِدَةٍ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا، إِلَّا تَثْبِيثًا لِحِكْمَتِهِ وَ تَنْبِيهًا عَلَي
 طَاعَتِهِ، وَ إِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ وَ تَعَبُّدًا لِبَرِيَّتِهِ، وَ إِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ
 الْقَوَابِ عَلَي طَاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَي مَعْصِيَّتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ نِقْمَتِهِ
 وَ حَيَاشَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، إِخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ
 قَبْلَ أَنْ إِجْتَبَاهُ، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَثَهُ، إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ، وَ
 يَسْتُرُ الْأَهْوِيلَ مَصُونَةٌ، وَ بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ، عَلِمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ
 الْأُمُورِ، وَ إِحَاطَةً بِمَحَادِثِ الدُّهُورِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ.

و گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که
 این امر بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمن وصل
 آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آن را آسان نمود،
 خداوندی که چشم‌ها از دیدنش بازمانده، و زبانها از وصفش ناتوان، و
 اوهام و خیالات از درک او عاجز می‌باشند.

موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شوند، و آنها را
 پدید آورد بدون آنکه از قالبی تبعیت کنند، آنها را به قدرت خویش ایجاد
 و به مشیتش پدید آورد، بی‌آنکه در ساختن آنها نیازی داشته و در
 تصویرگری آنها فائده‌ای برایش وجود داشته باشد، جز تثبیت حکمتش و



آگاهی بر طاعتش، و اظهار قدرت خود، و شناسائی راه عبودیت و گرامی داشت دعوتش، آنگاه بر طاعتش پاداش و بر معصیتش عقاب مقرر داشت، تا بندگان را از نعمتش بازدارد و آنان را بسوی بهشتش رهنمون گردد.

و گواهی می‌دهم که پدرم محمد بنده و فرستاده اوست، که قبل از فرستاده شدن او را انتخاب، و قبل از برگزیدن نام پیامبری بر او نهاد، و قبل از مبعوث شدن او را برانگیخت، آن هنگام که مخلوقات در حجاب غیبت بوده، و در نهایت تاریکی‌ها بسر برده، و در سر حد عدم و نیستی قرار داشتند، او را برانگیخت بخاطر علمش به عواقب کارها، و احاطه‌اش به حوادث زمان، و شناسائی کاملش به وقوع مقدرات.

إِبْتَعْتَهُ اللَّهُ إِثْمَامًا لِأَمْرِهِ، وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمضَائِهِ حُكْمِهِ، وَ انْفِاذًا لِمَقَادِيرِ رَحْمَتِهِ، فَرَأَى الْأُمَّمَ فِرْقًا فِي أَدْيَانِهَا، عُكْمًا عَلَي نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِزِّهَا.

فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ظُلْمَهَا، وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا، وَ جَلَى عَنِ الْأَبْصَارِ عُجْمَهَا، وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ، فَأَنقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ، وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعِمَايَةِ، وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ.

ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَافَةٍ وَ اخْتِيَارٍ، وَ رَغْبَةٍ وَ اِيثَارٍ، فَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ، قَدْ حُفَّ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَنْبَارِ وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْعَقَّارِ، وَ مُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجُبَّارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَي أَبِي نَبِيِّهِ وَ



أَمِينِهِ وَخَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَصَفِيِّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

ثم التفت الى اهل المجلس وقالت:

أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُصِبُ أَمْرَهُ وَنَهْيَهُ، وَحَمَلَةُ دِينِهِ وَوَحْيِهِ، وَأَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَبَلَاغُؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ، زَعِيمُ حَقِّ لَهْ

او را برانگیخت تا امرش را کامل و حکم قطعی اش را امضا و مقدراتش را اجرا نماید، و آن حضرت امتها را دید که در آئینهای مختلفی قرار داشته، و در پیشگاه آتشیهای افروخته معتکف و بت‌های تراشیده شده را پرستنده، و خداوندی که شناخت آن در فطرتشان قرار دارد را منکرند.

پس خدای بزرگ بوسیله پدرم محمد صلی الله علیه و آله تاریکی‌های آن را روشن، و مشکلات قلبها را برطرف، و موانع رؤیت دیده‌ها را از میان برداشت، و با هدایت در میان مردم قیام کرده و آنان را از گمراهی رهانید، و بینایشان کرده، و ایشان را به دین استوار و محکم رهنمون شده، و به راه راست دعوت نمود.

تا هنگامی که خداوند او را بسوی خود فراخواند، فراخواندنی از روی مهربانی و آزادی و رغبت و میل، پس آن حضرت از رنج این دنیا در آسایش بوده، و فرشتگان نیکوکار در گرداگرد او قرار داشته، و خشنودی پروردگار آمرزنده او را فراگرفته، و در جوار رحمت او قرار دارد، پس درود خدا بر پدرم، پیامبر و امینش و بهترین خلق و برگزیده‌اش باد، و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد.



آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام رو به مردم کرده و فرمود:

شما ای بندگان خدا پرچمداران امر و نهی او، و حاملان دین و وحی او، و امینهای خدا بر یکدیگر، و مبلغان او بسوی امتهاید، زمامدار حق در میان

فِيكُمْ، وَ عَهْدٍ قَدَمَهُ إِلَيْكُمْ، وَ بَقِيَّةٍ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ: كِتَابُ اللَّهِ
الطَّائِقُ وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَ الثُّورُ السَّاطِعُ وَ الصَّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيْنَةَ بَصَائِرِهِ،
مُنْكَشِفَةً سَرَائِرَهُ، مُنْجَلِيَّةً ظَوَاهِرَهُ، مُغْتَبِطَةً بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ
إِتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّ إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ.

بِهِ تُنَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ، وَ عَزَائِمُهُ الْمَفْسَّرَةُ، وَ حَارِمُهُ الْمُحَدَّرَةُ، وَ
بَيْنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ، وَ فَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَ رُخْصَةُ الْمُوهُوبَةُ،
وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ.

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَظْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرِكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ
عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَ نِيَاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيثاً
لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَثْبِيثاً لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيْقاً لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا
نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ، وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ، وَ الصَّبْرَ
مَعُونَةً عَلَيَّ اسْتِجَابِ الْأَجْرِ.

وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ، وَ بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَ قَايَةَ مِنَ السَّخَطِ،
وَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنَسَاءً فِي الْعُمْرِ وَ مَنَاماً لِلْعَدَدِ، وَ الْقِصَاصَ حِقْناً لِلدَّمَاءِ،
وَ الْوَفَاءَ بِالْأُتَدْرِ تَعْرِيضاً لِلْمَغْفِرَةِ، وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَ الْمَوَازِينِ تَغْيِيراً



فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَاطِيعُوا اللَّهَ
فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ إِنَّمَا يُخَشِّيَ اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ.

ثم قالت:

أَيُّهَا النَّاسُ! اْعَلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ، أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدْءًا، وَ لَا
أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا، لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ
أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ.
فَإِنْ تَعَزَّوهُ وَتَعَرَّفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ، وَ أَخَا ابْنِ عَتِي دُونَ
رِجَالِكُمْ، وَ لَيَنْعَمَ الْمَعْرِيُّ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ صَادِعًا بِالذِّمَارَةِ، مَاثِلًا عَنِ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِبًا
تَبَجَّهْمُ، اخِذًا بِأَكْظَامِهِمْ، دَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ
الْحَسَنَةِ، يَجُفُّ الْأَصْنَامَ وَ يَنْكُثُ الْأَهَامَ، حَتَّى انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ وَلَّوْا الدُّبُرَ.

و امر به معروف را برای مصلحت جامعه، و نیکی به پدر و مادر را
برای رهایی از غضب الهی، و صلح ارحام را برای طولانی شدن عمر و
افزایش جمعیت، و قصاص را وسیله حفظ خونها، و وفای به نذر را برای
در معرض مغفرت الهی قرار گرفتن، و دقت در کیل و وزن را برای رفع
کمفروشی مقرر فرمود.

و نهی از شرابخواری را برای پاکیزگی از زشتی، و حرمت نسبت ناروا
دادن را برای عدم دوری از رحمت الهی، و ترک دزدی را برای پاکدامنی
قرار داد، و شرک را حرام کرد تا در یگانه پرستی خالص شوند.



پس آنگونه که شایسته است از خدا بترسید، و از دنیا نروید جز آنکه مسلمان باشید، و خدا را در آنچه بدان امر کرده و از آن بازداشته اطاعت نمائید، همانا که فقط دانشمندان از خاک می ترسند. آنگاه فرمود:

ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است، آنچه ابتدا گویم در پایان نیز می گویم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست، پیامبری از میان شما برانگیخته شد که رنجهای شما بر او گران آمده و دلسوز بر شما است، و بر مؤمنان مهربان و عطوف است.

پس اگر او را بشناسید می دانید که او در میان زنانتان پدر من بوده، و در میان مردانتان برادر پسر عمومی من است، چه نیکو بزرگواری است آنکه من این نسبت را به او دارم.

رسالت خود را با انذار انجام داد، از پرتگاه مشرکان کناره گیری کرده، شمشیر بر فرقشان نواخت، گلویشان را گرفته و با حکمت و پند و اندرز نیکو بسوی پروردگارشان دعوت نمود، بتها را نابود ساخته، و سر کینه توزان را می شکند، تا جمعشان منهزم شده و از میدان گریختند.

حَتَّى تَفْرَى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ، وَ أَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَخْضِهِ، وَ نَطَقَ رَعِيمُ الدِّينِ، وَ حَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ، وَ طَاحَ وَ شَيْطُ النَّفَاقِ، وَ انْحَلَّتْ عُقْدُ الْكُفْرِ وَ الشَّقَاقِ، وَ فَهْتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفْرِ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمْاصِ.

وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُدَقَّةَ الشَّارِبِ، وَ نُهْرَةَ الطَّامِعِ، وَ قُبْسَةَ الْعِجْلَانِ، وَ مَوْطِيَةَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرِيقَ، وَ تَفْتَاتُونَ الْقِدَّ، أَدْلَةً



خَاسِئِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَانْقَدَكُمُ اللَّهُ
تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ اللَّتَايَا وَآلِي، وَبَعْدَ أَنْ
مُنِيَ بِهِمُ الرَّجَالِ، وَذُؤْبَانِ الْعَرَبِ، وَمَرَدَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ.

كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَّمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَعَرَتْ
فَإِعْرَةً مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَدَفَ آخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكِفِيءُ حَتَّى يَطَأَ
جِنَاحَهَا بِأُخْمَصِهِ، وَيَعْتَمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِدًا فِي
أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشْمَرًا نَاصِحًا مُجِدِّدًا
كَإِدْحًا، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ.

وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ، وَادْعُونَ فَالْهُونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا
الدَّوَائِرِ، وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَتَتَنَكُّصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَتَفِرُّونَ مِنَ
الْقِتَالِ.

تا آنگاه که صبح روشن از پرده شب برآمد، و حق نقاب از چهره
برکشید، زمامدار دین به سخن درآمد، و فریاد شیطانها خاموش گردید،
خار نفاق از سر راه برداشته شد، و گره‌های کفر و تفرقه از هم گشوده
گردید، و دهانهای شما به کلمه اخلاص باز شد، در میان گروهی که
سپیدرو و شکم به پشت چسبیده بودند.

و شما بر کناره پرتگاهی از آتش قرار داشته، و مانند جرعه‌ای آب
بوده و در معرض طمع طماعان قرار داشتید، همچون آتش‌زنه‌ای بودید
که بلافاصله خاموش می‌گردید، لگدکوب روندگان بودید، از آبی
می‌نوشتید که شتران آن را آلوده کرده بودند، و از پوست درختان به



عنوان غذا استفاده می کردید، خوار و مطرود بودید، می ترسیدند که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را بربایند، تا خدای تعالی بعد از چنین حالاتی شما را بدست آن حضرت نجات داد، بعد از آنکه از دست قدرتمندان و گرگهای عرب و سرکشان اهل کتاب ناراحتیها کشیدید.

هرگاه آتش جنگ برافروختند خداوند خاموشش نموده، یا هر هنگام که شیطان سر برآورد یا اژدهائی از مشرکین دهان باز کرد، پیامبر برادرش را در کام آن افکند، و او تا زمانی که سرآنان را به زمین نمی کوفت و آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش نمی کرد، باز نمی گشت، فرسوده از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری از اولیاء الهی، دامن به کمر بسته، نصیحت گر، تلاشگر، و کوشش کننده بود، و در راه خدا از ملامت ملامت کننده نمی هراسید. و این در هنگامه ای بود که شما در آسایش زندگی می کردید، در مهد امن متنعم بودید، و در انتظار بسر می بردید تا ناراحتیها ما را در بر گیرد، و گوش به زنگ اخبار بودید، و هنگام کارزار عقبگرد می کردید، و به هنگام نبرد فرار می نمودید.

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِإِيَّتِهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ التَّفَاقِي، وَ سَمَلُ جِلْبَابِ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينِ، وَ نَبَعَ خَامِلُ الْأَقْلِينِ، وَ هَدَرَ فَنِيقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَ أَظْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ، هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغَرَّةِ فِيهِ مُلَاحِظِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا، وَ أَحْمَشَكُمْ



فَالفَاكُمُ غَضَابًا، فَوَسَّئْتُمْ غَيْرَ اِیْلِكُمْ، وَوَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرِیْكُمْ.
 هذا، وَ الْعَهْدُ قَرِیْبٌ، وَالْكَلْمُ رَحِیْبٌ، وَالْجُرْحُ لَمَّا یَنْدَمِلُ، وَ الرَّسُوْلُ
 لَمَّا یُقْبَرُ، اِیْتِدَارًا رَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، اَلَا فِی الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَاِنَّ جَهَنَّمَ
 لَمُحِیْطَةٌ بِالْكَافِرِیْنَ.

فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ، وَ كَيْفَ بِكُمْ، وَ اَنْیَ تُوْفِكُوْنَ، وَ كِتَابُ اللّٰهِ بَیْنَ
 اَظْهَرِكُمْ، اُمُوْرُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ اَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ اَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ
 لَاطِحَةٌ، وَ اَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَ قَدْ خَلَفْتُمُوْهُ وَّرَآءَ ظُهُوْرِكُمْ، اَرْغَبَةٌ عَنْهُ
 تُرِیْدُوْنَ؟ اَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُوْنَ؟ بِئْسَ لِلظَّالِمِیْنَ بَدَلًا، وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْاِسْلَامِ
 دِیْنًا فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ، وَ هُوَ فِی الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِیْنَ.

و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را
 برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت
 گمراهان شکسته، و پست رتبه‌گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر
 نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌هایتان بیامد، و شیطان سر
 خویش را از مخفی‌گاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد
 پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید، آنگاه از شما
 خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به آسانی این کار را انجام
 می‌دهید، شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر
 شتران دیگران نشان زدید، و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید.

این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز
 وسیع بود، و جراحت التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه



آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته‌اید، و برآستی جهنم کافران را احاطه نموده است.

این کار از شما بعید بود، و چطور این کار را کردید، به کجا روی می‌آوردید، در حالی که کتاب خدا رویاروی شماست، امورش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرّماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بی‌رغبتی به آن را خواهید؟ یا بغیر قرآن حکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و هرکس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَى رَيْثٍ أَنْ تَسْكُنَ نَفَرْتَهَا، وَيَسْلَسَ قِيَادَهَا، ثُمَّ أَخَذْتُمْ ثُورُونَ وَقَدْتَهَا، وَتَهَيَّجُونَ حِمْرَتَهَا، وَتَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ، وَإِظْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْحَقِيِّ، وَإِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ، تُسِرُّونَ حَسَوًا فِي أَرْزِغَاءٍ، وَتَمْشُونَ لِأَهْلِيهِ وَوَلَدِهِ فِي الْحَمْرِ وَالضَّرَاءِ، وَنَصِيرٌ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزْرٍ الْمَدَى، وَوَحْزِ السَّنَانِ فِي الْحِشَا.

وَ أَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا أَفْحَكَمَ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ، وَمَنْ أَحْسَنَ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ، أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلَى، قَدْ نَجَلَى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الصَّاحِيَةِ أَتَىٰ ابْنَتَهُ.

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَغْلَبَ عَلَىٰ إِرْثِي؟ يَا بَنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَفِي كِتَابِ اللَّهِ تَرِثُ أَبَاكَ وَلَا أَرِثُ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ سَيِّئًا قَرِيبًا، أَفَعَلَىٰ عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ تَبَدُّثْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، إِذْ يَقُولُ «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» (١) وَقَالَ فِيمَا



اَقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ زَكْرِيَّا اِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثْ مِنْ
 اِلْيَاقُوبَ»، (۲) وَ قَالَ: «وَ اُولُوا الْاَرْحَامَ بَعْضُهُمْ اَوْلِي

آنگاه آنقدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و کشیدن آن
 سهل گردد، پس آتش گیره‌ها را افروخته‌تر کرده، و به آتش دامن زدید تا
 آن را شعله‌ور سازید، و برای اجابت ندای شیطان، و برای خاموش کردن
 انوار دین روشن خدا، و از بین بردن سنن پیامبر برگزیده آماده بودید، به
 بهانه خوردن، کف شیر را زیر لب پنهان می‌خورید، و برای خانواده و
 فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان کمین گرفته و راه می‌رفتید، و ما
 باید بر این امور که همچون خنجر برآن و فرورفتن نیزه در میان شکم
 است، صبر کنیم.

و شما اکنون گمان می‌برید که برای ما ارثی نیست، آیا خواهان حکم
 جاهلیت هستید، و برای اهل یقین چه حکمی بالاتر از حکم خداوند
 است، آیا نمی‌دانید؟ در حالی که برای شما همانند آفتاب درخشان روشن
 است، که من دختر او هستم.

ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند، ای پسر
 ای قحافه، آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و از ارث پدرم
 محروم باشم امر تازه و زشتی آوردی، آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده
 و پشت سر می‌اندازید، آیا قرآن نمی‌گویند «سلیمان از داود ارث برد»، و
 در مورد خبر زکریا آنگاه که گفت: «پروردگار مرا فرزندی عنایت فرما تا
 از من و خاندان یعقوب ارث برد»، و فرمود: «و خویشاوندان رحمی به



بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»، (۳) وَقَالَ «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ
مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ»، (۴) وَقَالَ «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأُولَادَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ
بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ». (۵)

وَزَعَمْتُمْ أَنْ لَا حَظَّوَةً لِي، وَلَا أَرِثُ مِنْ أَبِي، وَلَا رَجَمَ بَيْنَنَا،
أَفْخَصَّكُمْ اللَّهُ بِآيَةٍ أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ: إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا
يَتَوَارَثَانِ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَأَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ
الْقُرْآنِ وَعُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَابْنِ عَمِّي؟ فَدُونَكُمَا مَخْطُومَةٌ مَرْحُومَةٌ تَلْقَاكَ
يَوْمَ حَشْرِكَ.

فَنِعَمَ الْحُكْمُ اللَّهُ، وَالزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ، وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ، وَعِنْدَ السَّاعَةِ
يُخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ، وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدُمُونَ، وَلِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ، وَلَسَوْفَ
تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ، وَيَجْلُ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ.
ثم رمت بطرفها نحو الانصار، فقالت:

دیگرانند»، و فرموده: «خدای تعالی به شما درباره فرزندان سفارش
می کند که بهره پسر دو برابر دختر است»، و می فرماید: «هنگامی که
مرگ یکی از شما فرارسد بر شما نوشته شده که برای پدران و مادران و
نزدیکان وصیت کنید، و این حکم حقی است برای پرهیزگاران».

و شما گمان می برید که مرا بهره ای نبوده و سهمی از ارث پدرم
ندارم، آیا خداوند آیه ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج



ساخته؟ یا می گوئید: اهل دو دین از یکدیگر ارث نمی برند؟ آیا من و پدرم را از اهل یک دین نمی دانید؟ و یا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسرعمویم آگاهترید؟ اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد کرد.

چه نیک داوری است خداوند، و نیکو دادخواهی است پیامبر، و چه نیکو وعده گاهی است قیامت، و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می برند، و پشیمانی به شما سودی نمی رساند، و برای هر خبری قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوارکننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاودانه که را شامل می شود. آنگاه رو بسوی انصار کرده و فرمود:

يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ وَحَصَنَةَ الْإِسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْعَمِيرَةُ فِي حَقِّي وَالسَّنَّةِ عَنِ ظِلَامَتِي؟ أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبِي يَقُولُ: «الْمَرْءُ يُحَقِّظُ فِي وُلْدِهِ»، سَرَعَانَ مَا أَحَدْتُمْ وَعَجْلَانَ ذَا إِهَالَةٍ، وَ لَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوِلُ، وَقُوَّةٌ عَلَى مَا أَطْلُبُ وَأَزَاوِلُ.
 أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ؟ فَحَطَبٌ جَلِيلٌ اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ، وَاسْتَنْهَرَ فَتَقُهُ، وَ انْفَتَقَ رَتْقُهُ، وَ أَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ، وَ كَسَفَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَ انْتَهَرَتِ التُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ، وَ أَكَدَتِ الْأَمَالَ، وَ خَشَعَتِ الْجِبَالَ، وَ أَضْيَعِ الْحَرِيمِ، وَ أَزِيلَتِ الْحُرْمَةَ عِنْدَ مَمَاتِهِ.

فَتِلْكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَالْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى، لَامِثُهَا نَازِلَةٌ، وَ لَا بَاقِيَةَ عَاجِلَةً أُعْلِنَ بِهَا، كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ، وَ فِي



مُمَسَاكُمُ وَ مُصْبِحِكُمْ، يَهْتَفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ هُتَافًا وَ صُرَاخًا وَ تِلَاوَةً وَ
 الْحَنَاءَ، وَ لَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، حُكْمٌ فَضْلٌ وَ قَضَاءٌ حَتْمٌ.
 «وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ
 انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ

ای گروه نقباء، و ای بازوان ملت، ای حافظان اسلام، این ضعف و
 غفلت در مورد حق من و این سهل انگاری از دادخواهی من چرا؟ آیا
 پدرم پیامبر نمی فرمود: «حرمت هر کس در فرزندان او حفظ می شود»،
 چه سرعت مرتکب این اعمال شدید، و چه با عجله این بز لاغر، آب از
 دهان و دماغ او فروریخت، در صورتی که شما را طاقت و توان بر آنچه
 در راه آن می کوشیم هست، و نیرو برای حمایت من در این مطالبه و
 قصد می باشد.

آیا می گوئید محمد صلی الله علیه و آله بدرود حیات گفت، این
 مصیبتی است بزرگ و در نهایت وسعت، شکاف آن بسیار، و درز دوخته
 آن شکافته، و زمین در غیاب او سراسر تاریک گردید، و ستارگان
 بی فروغ، و آرزوها به ناامیدی گرائید، کوهها از جای فروریخت، حرمتها
 پایمال شد، و احترامی برای کسی پس از وفات او باقی نماند.

بخدا سوگند که این مصیبت بزرگتر و بلیه عظیم تر است، که
 همچون آن مصیبتی نبوده و بلای جانگدازی در این دنیا به پایه آن
 نمی رسد، کتاب خدا آن را آشکار کرده است، کتاب خدایی که در
 خانه هایتان، و در مجالس شبانه و روزانه تان، آرام و بلند، و با تلاوت و



خوانندگی آن را می‌خوانید، این بلائی است که پیش از این به انبیاء و فرستاده شدگان وارد شده است، حکمی است حتمی، و قضائی است قطعی، خداوند می‌فرماید:

«محمد پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری درگذشتند، پس اگر او بمیرد و یا کشته گردد به عقب برمی‌گردید، و آنکس که به عقب برگردد

فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ.»

(۶)

إيها بني قيلة! ءأهضم ثراث أبي وأنتم بمرأى مني و مسمع و مُنتدى
و مَجْمَع، تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَ تَشْمَلُكُمْ الخَيْرَةُ، وَأَنْتُمْ ذُوو العَدَدِ وَ العُدَّة
وَ الأَدَاةِ وَ القُوَّةِ، وَ عِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَ الجُنَّةُ، تُوَفِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا
تُجْبِيُونَ، وَ تَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغِيثُونَ، وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالكِفَاحِ،
مَعْرُوفُونَ بِالخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، وَ الشُّخْبَةُ الَّتِي انْتَخَبْتَ، وَ الخَيْرَةُ الَّتِي
اخْتِيرْتَ لَنَا أَهْلَ البَيْتِ.

قَاتَلْتُمُ العَرَبَ، وَ تَحَمَّلْتُمُ الكَدَّ وَ التَّعَبَ، وَ نَاطَحْتُمُ الأُمَّمَ، وَ كَافَحْتُمُ
البُهَمَ، لَا تَبْرُحُ أَوْ تَبْرُحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمُرُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى
الإِسْلَامِ، وَ دَرَّ حَلَبُ الأَيَّامِ، وَ خَضَعَتْ نُعْرَةُ الشَّرِكِ، وَ سَكَنْتْ قَوْرَةُ
الإِفْكِ، وَ حَمَدَتْ نيرانُ الكُفْرِ، وَ هَدَّاتْ دَعْوَةُ الهَرَجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ
الدِّينِ، فَأَتَى حِزْبُكُمْ بَعْدَ البَيَانِ، وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الإِعْلَانِ، وَ نَكَضْتُمْ بَعْدَ



الْإِقْدَامِ، وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ؟

بُؤْسًا لِقَوْمٍ نَكَّثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ، وَهُمْ أُو

بخدا زبانی نمی‌رساند، و خدا شکرکنندگان را پاداش خواهد داد».

ای پسران قیله- گروه انصار- آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالی که مرا می‌بینید و سخن مرا می‌شنوید، و دارای انجمن و اجتماعید، صدای دعوت مرا همگان شنیده و از حالم آگاهی دارید، و دارای نفرت و ذخیره‌اید، و دارای ابزار و قوه‌اید، نزد شما اسلحه و زره و سپر هست، صدای دعوت من به شما می‌رسد ولی جواب نمی‌دهید، و ناله فریاد خواهیم را شنیده ولی به فریادم نمی‌رسید، در حالی که به شجاعت معروف و به خیر و صلاح موصوف می‌باشید، و شما برگزیدگانی بودید که انتخاب شده، و منتخباتی که برای ما اهل بیت برگزیده شدید!

با عرب پیکار کرده و متحمل رنج و شدتها شدید، و با امتها رزم نموده و با پهلوانان به نبرد برخاستید، همیشه فرمانده بوده و شما فرمانبردار، تا آسیای اسلام به گردش افتاد، و پستان روزگار به شیر آمد، و نعره‌های شرک‌آمیز خاموش شده، و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد، و آتش کفر خاموش و دعوت ندای هرج و مرج آرام گرفت، و نظام دین کاملاً ردیف شد، پس چرا بعد از اقرارتان به ایمان حیران شده، و پس از آشکاری خود را مخفی گردانید، و بعد از پیشقدمی عقب نشستید، و بعد ایمان شرک آوردید.



وای بر گروهی که بعد از پیمان بستن آن را شکستند، و خواستند

بیامبر

بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَّوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ، اتَّخَشَوْهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ
تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

آلَا، وَقَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ إِلَى الْخَفِضِ، وَ أَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ
بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ، وَ خَلَوْتُمْ بِالذَّعَةِ، وَ نَجَوْتُمْ بِالضِّيقِ مِنَ السَّعَةِ،
فَمَجَجْتُمْ مَا وَعَبْتُمْ، وَ دَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّعْتُمْ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ
فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ.

آلَا، وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخُدَاةِ الَّتِي خَامَرْتُكُمْ،
وَ الْقَدْرَةِ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا قُلُوبُكُمْ، وَ لَكِنَّهَا فَيْضَةُ النَّفْسِ، وَ نَفْثَةُ
الْعَيْطِ، وَ حَوْرُ الْقَنَاةِ، وَ بَيْتَةُ الصَّدْرِ، وَ تَقْدِيمَةُ الْحُجَّةِ، فَدَوْنَكُمْ
فَاخْتَقَبُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ، نَقَبَةَ الحُفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةَ بَعْضِ الْجُبَّارِ
وَ شَنَارِ الْأَبَدِ، مَوْصُولَةَ بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ.

فِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ، وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، وَ
أَنَا إِبْنَةُ نَذِيرٍ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيِ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ، وَ
انْتَظَرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ.

فأجابها أبو بكر عبدالله بن عثمان، وقال:

را اخراج کنند، با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند، آیا از آنان هراس

دارد در حالی که خدا سزاوار است که از او بهراسید، اگر مؤمنید.



آگاه باشید می‌بینم که به تن‌آسائی جاودانه دل داده، و کسی را که سزاوار زمامداری بود را دور ساخته‌اید، با راحت‌طلبی خلوت کرده، و از تنگنای زندگی به فراخنای آن رسیده‌اید، در اثر آن آنچه را حفظ کرده بودید را از دهان بیرون ریختید، و آنچه را فرورده بودید را بازگرداندند، پس بدانید اگر شما و هر که در زمین است کافر شوید، خدای بزرگ از همگان بی‌نیاز و ستوده است. آگاه باشید آنچه گفتیم با شناخت کاملم بود، به سستی پدید آمده در اخلاق شما، و بی‌وفائی و نیرنگ ایجاد شده در قلوب شما، و لیکن اینها جوشش دل اندوهگین، و بیرون ریختن خشم و غضب است، و آنچه قابل تحمل نیست، و جوشش سینه‌ام و بیان دلیل و برهان، پس خلافت را بگیرید، ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاول‌دار، عار و ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد، و به آتش شعله‌ور خدا که بر قلبها احاطه می‌یابد متصل است. آنچه می‌کنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته، و آنانکه ستم کردند به زودی می‌دانند که به کدام بازگشتگاهی بازخواهند گشت، و من دختر کسی هستم که شما را از عذاب دردناک الهی که در پیش دارید خبر داد، پس هرچه خواهید بکنید و ما هم کار خود را می‌کنیم، و شما منتظر بمانید و ما هم در انتظار بسر می‌بریم.

آگاه ابوبکر پاسخ داد:

يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا، رَوْفًا رَحِيمًا، وَعَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا وَعِقَابًا عَظِيمًا، إِنَّ عَزْوَنَاهُ وَجَدْنَاهُ



أَبَاكَ دُونَ النَّسَاءِ، وَ آخَا إِلْفِكَ دُونَ الْأَخْلَاءِ، ائْتَرَهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ وَ سَاعَدَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ، لَا يُجْبُكُمُ إِلَّا سَعِيدٌ، وَلَا يُبْغِضُكُمُ إِلَّا شَقِيٌّ بَعِيدٌ.
فَأَنْتُمْ عِزَّةُ رَسُولِ اللَّهِ الطَّيِّبُونَ، الْحَيْرَةُ الْمُتَنْجَبُونَ، عَلَى الْخَيْرِ أَدْلُنَا وَ إِلَى الْجَنَّةِ مَسَالِكُنَا، وَ أَنْتِ يَا خَيْرَةَ النَّسَاءِ وَ ابْنَةَ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ، سَابِقَةٌ فِي وَفْوَرِ عَقْلِكَ، غَيْرَ مَرْدُودَةٍ عَنْ حَقِّكَ، وَ لَا مَصْدُودَةٍ عَنْ صِدْقِكَ.

وَ اللَّهُ مَا عَدَوْتُ رَأَى رَسُولِ اللَّهِ، وَ لَا عَمِلْتُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ الرَّائِدُ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ، وَ إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ كَفَى بِهِ شَهِيداً، أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورَثُ ذَهَباً وَ لَا فِضَّةً، وَ لَا دَاراً وَ لَا عِقَاراً، وَ إِنَّمَا نُورَثُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ الْعِلْمَ وَ الثُّبُوءَ، وَ مَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ فَلْيُولِي الْأَمْرَ بَعْدَنَا أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ».

ای دختر رسول خدا! پدر تو بر مؤمنین مهربان و بزرگوار و رؤوف و رحیم، و بر کافران عذاب دردناک و عقاب بزرگ بود، اگر به نسب او بنگریم وی در میان زنانمان پدر تو، و در میان دوستان برادر شوهر توست، که وی را بر هر دوستی برتری داد، و او نیز در هر کار بزرگی پیامبر را یاری نمود، جز سعادت‌مندان شما را دوست نمی‌دارند، و تنها بدکاران شما را دشمن می‌شمرند.

پس شما خاندان پیامبر، پاکان برگزیدگان جهان بوده، و ما را به خیر راهنما، و بسوی بهشت رهنمون بودید، و تو ای برترین زنان و دختر برترین پیامبران، در گفتارت صادق، در عقل فراوان پیشقدم بوده، و



هرگز از حقت بازداشته نخواهی شد و از گفتار صادق مانعی ایجاد نخواهد گردید.

و بخدا سوگند از رأی پیامبر قدمی فراتر نگذارده، و جز با اجازه او اقدام نکرده‌ام، و پیشرو قوم به آنان دروغ نمی‌گویند، و خدا را گواه می‌گیرم که بهترین گواه است، از پیامبر شنیدم که فرمود: «ما گروه پیامبران دینار و درهم و خانه و مزرعه به ارث نمی‌گذاریم، و تنها کتاب و حکمت و علم و نبوت را به ارث می‌نهیم، و آنچه از ما باقی می‌ماند در اختیار ولیّ امر بعد از ماست، که هر حکمی که بخواهد در آن بنماید.»

وَقَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتَهُ فِي الْكِرَاعِ وَالسَّلَاحِ، يُقَاتِلُ بِهَا الْمُسْلِمُونَ وَ يُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ، وَ يُجَالِدُونَ الْمَرْدَةَ الْفُجَّارَ، وَ ذَلِكَ بِإِجْمَاعِ الْمُسْلِمِينَ، لَمْ أَنْفِرْ بِهِ وَحْدِي، وَ لَمْ أَسْتَبِدْ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ عِنْدِي، وَ هَذِهِ حَالِي وَ مَالِي، هِيَ لَكَ وَ بَيْنَ يَدَيْكَ، لَا تَزْوِي عَنكَ وَ لَا تَدْخِرُ دُونَكَ، وَ أَنْتِ سَيِّدَةُ أُمَّةٍ أَبِيكَ وَ الشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ لِيْنَيْكَ، لَا يُدْفَعُ مَالُكَ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لَا يُوَضَّعُ فِي فَرْعِكَ وَ أَصْلِكَ، حُكْمُكَ نَافِذٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَايَ، فَهَلْ تَرِينَ أَنْ أَخَالَفَ فِي ذَاكَ أَبَاكَ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ).

فَقَالَتْ:

سُبْحَانَ اللهِ، مَا كَانَ أَبِي رَسُولَ اللهِ عَنِ كِتَابِ اللهِ صَادِقًا، وَ لَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالَفًا، بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ آثَرَهُ، وَ يَقْفُو سُورَهُ، أَفْتَجْمَعُونَ إِلَى الْعُذْرِ اعْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ، وَ هَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَبِيهُ بِمَا بُعِيَ لَهُ مِنَ الْعَوَائِلِ فِي



حَيَاتِهِ، هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حُكْمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَضْلًا، يَقُولُ: «يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»، وَيَقُولُ: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ».

و ما آنچه را که می‌خواهی در راه خرید اسب و اسلحه قرار دادیم، تا مسلمانان با آن کارزار کرده و با کفار جهاد نموده و با سرکشان بدکار جدال کنند، و این تصمیم به اتفاق تمام مسلمانان بود، و تنها دست به این کار نزدم، و در رأی و نظرم مستبدانه عمل ننمودم، و این حال من و این اموال من است که برای تو و در اختیار توست، و از تو دریغ نمی‌شود و برای فرد دیگری ذخیره نشده، توئی سرور بانوان امت پدرت، و درخت بارور و پاک برای فرزندان، فضائلت انکار نشده، و از شاخه و ساقه‌ات فرونهاده نمی‌گردد، حکمت در آنچه من مالک آن هستم نافذ است، آیا می‌پسندی که در این زمینه مخالف سخن پدرت عمل کنم.

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود:

پاک و منزّه است خداوند، پدرم پیامبر، از کتاب خدا روی گردان و با احکامش مخالف نبود، بلکه پیرو آن بود و به آیات آن عمل می‌نمود، آیا می‌خواهید علاوه بر نیرنگ و مکر به زور او را متهم نمائید، و این کار بعد از رحلت او شبیه است به دامهائی که در زمان حیاتش برایش گسترده شد، این کتاب خداست که حاکمی است عادل، و ناطقی است که بین حق و باطل جدائی می‌اندازد، و می‌فرماید: - زکریا گفت: خدایا فرزندی به من بده که - «از من و خاندان یعقوب ارث ببرد»، و می‌فرماید: «سلیمان از داود ارث برد».



بَيْنَ عَزَّ وَجَلَّ فِيمَا وَرَّعَ مِنَ الْأَقْسَاطِ، وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ
وَالْمِيرَاثِ، وَ أَبَاحَ مِنْ حَظِّ الدَّكْرَانِ وَ الْإِنَاثِ، مَا أَرَاخَ بِهِ عِلَّةَ الْمُبْطِلِينَ وَ
أَزَالَ التَّظَّتِي وَ الشُّبُهَاتِ فِي الْغَايِرِينَ، كَلَّا بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ
أَمْرًا، فَصَبِرُوا جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ.

فقال أبو بكر:

صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَتْ إِبْنَتُهُ، مَعِينُ الْحِكْمَةِ، وَ مَوْطِنُ الْهُدَى وَ
الرَّحْمَةِ، وَ رُكْنُ الدِّينِ، وَ عَيْنُ الْحُجَّةِ، لَا أَبْعُدُ صَوَابِكَ وَ لَا أَنْكُرُ
خِطَابِكَ، هُوَ لِإِ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَ بَيْنِكَ فَلَدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ، وَ بِإِتْفَاقِ
مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ مَكَابِرٍ وَ لَا مُسْتَبِدِّ وَ لَا مُسْتَأْتِرٍ، وَ هُمْ
بِذَلِكَ شُهُودٌ.

فالتفت فاطمة عليها السلام الى النساء، وقالت:

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قَبْلِ الْبَاطِلِ، الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ
الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ، أَفَلَا تَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلِي قُلُوبِ أَفْهَامُهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ
عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ، وَ
لَيْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ،

و خداوند در سهمیه هائی که مقرر کرد، و مقادیری که در ارث تعیین
فرمود، و بهره هائی که برای مردان و زنان قرار داد، توضیحات کافی
داده، که بهانه های اهل باطل، و گمانها و شبهات را تا روز قیامت زائل
فرموده است، نه چنین است، بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش



پایتان قرار داده، و جز صبر زیبا چاره‌ای ندارم، و خداوند در آنچه می‌کنید یاور ماست.

ابوبکر گفت:

خدا و پیامبرش راست گفته، و دختر او نیز، که معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمت، و رکن دین و سرچشمه حجت و دلیل می‌باشد و راست می‌گوید، سخن حَقّت را دور نیفکنده و گفتارت را انکار نمی‌کنم، این مسلمانان بین من و تو حاکم هستند، و آنان این حکومت را بمن سپردند، و به تصمیم آنها این منصب را پذیرفتم، نه متکبر بوده و نه مستبد به رأی هستم، و نه چیزی را برای خود برداشته‌ام، و اینان همگی گواه و شاهدند.

آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به مردم کرده و فرمود:

ای مسلمانان! که برای شنیدن حرفهای بیهوده شتابان بوده، و کردار زشت را نادیده میگیرید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید، یا بر دلها مهر زده شده است، نه چنین است بلکه اعمال زشتان بر دلهایتان تیرگی آورده، و گوشها و چشمانتان را فراگرفته، و بسیار بد آیات قرآن را تأویل کرده، و بد راهی را به او

و سَاءَ مَا بِهِ آسَرْتُمْ، وَ شَرٌّ مَا مِنْهُ إِعْتَصَمْتُمْ، لَتَجِدَنَّ وَ اللّٰهُ مَحْمِلَهُ
ثَقِيلاً، وَ غَيْبَهُ وَ بِيلاً، إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ، وَ بَانَ مَا وَرَاءَهُ الضَّرَاءُ، وَ
بَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ، وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ.

ثم عطفت على قبر النبي صلى الله عليه وآله، وقالت:



قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَهَنْبَةٌ - لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ تَكْثِرِ الْخُطْبُ
 إِنَّا فَقَدْ نَاكَ فَقَدَ الْأَرْضَ وَإِبِلَهَا - وَاخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدْهُمْ وَلَا تَعْبُ
 وَكُلُّ أَهْلِ لَهُ قُرْبِي وَمَنْزِلَةٌ - عِنْدَ الْإِلَهِ عَلَيَّ الْأَذْنَيْنِ مُقْتَرِبُ
 أَبَدْتُ رِجَالٌ لَنَا نَجْوَى صُدُورِهِمْ - لَمَّا مَضَيْتِ وَحَالَتْ دُونَكَ التُّرْبُ
 تَجَهَّمْتَنَا رِجَالٌ وَاسْتُخِفَّ بِنَا - لَمَّا فُقِدَتْ وَكُلُّ الْأَرْضِ مُغْتَصَبُ
 وَكُنْتَ بَدْرًا وَنُورًا يُسْتَضَاءُ بِهِ - عَلَيْكَ تُنْزِلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ

نشان داده، و با بدچیزی معاوضه نمودید، بخدا سوگند تحمل این بار
 برایتان سنگین، و عاقبتش پر از وزر و وبال است، آنگاه که پرده‌ها کنار
 رود و زیانهای آن روشن گردد، و آنچه را که حساب نمی‌کردید و برای
 شما آشکار گردد، آنجاست که اهل باطل زیانکار گردند.

سپس آن حضرت رو به سوی قبر پیامبر کرد و فرمود:

بعد از تو خبرها و مسائلی پیش آمد، که اگر بودی آنچنان بزرگ
 جلوه نمی‌کرد.

ما تو را از دست دادیم مانند سرزمینی که از باران محروم گردد، و
 قوم تو متفرق شدند، بیا بنگر که چگونه از راه منحرف گردیدند.

هر خاندانی که نزد خدا منزلت و مقامی داشت نزد بیگانگان نیز
 محترم بود، غیر از ما.

مردانی چند از امت تو همین که رفتی، و پرده خاک میان ما و تو
 حائل شد، اسرار سینه‌ها را آشکار کردند.



بعد از تو مردانی دیگر از ما روی برگردانده و خفیمان نمودند، و میراثمان دزدیده شد.

تو ماه شب چهارده و چراغ نوربخشی بودی، که از جانب خداوند بر تو کتابها نازل می‌گردید.

وَ كَانَ جِبْرِيلُ بِالْآيَاتِ يُؤْنِسُنَا - فَقَدْ فُقِدْتَ وَ كُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجَبٌ
فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادِقُنَا - لَمَّا مَضَيْتَ وَ حَالَتْ دُونَكَ الْكُتُبُ
ثم انكفات عليها السلام و اميرالمؤمنين عليه السلام يتوقع رجوعها
اليه و يتطلع طلوعها عليه، فلما استقرت بها الدار، قالت لاميرالمؤمنين
عليهما السلام:

يَا بْنَ أَبِي طَالِبٍ! اِسْتَمَلْتَ شِمْلَةَ الْجَنِينِ، وَ قَعَدْتَ حُجْرَةَ الظَّنِينِ،
نَقَضْتَ قَادِمَةَ الْأَجْدَلِ، فَخَانَكَ رِيْشُ الْأَعْرَلِ.

هَذَا ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ يَبْتَرُّنِي نِخْلَةَ أَبِي وَ بُلْغَةَ ابْنِي! لَقَدْ أَجْهَرَ فِي خِصَامِي
وَ أَلْفَيْتُهُ الْكَدَّ فِي كَلَامِي حَتَّى حَبَسْتَنِي قَبِيلَهُ نَصْرَهَا وَ الْمُهَاجِرَةَ وَصَلَهَا، وَ
غَضَّتِ الْجُمَاعَةُ دُونِي طَرْفَهَا، فَلَا دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ، خَرَجْتُ كَاطِمَةً، وَ
عُدْتُ رَاغِمَةً.

أَضْرَعْتَ خَدَّكَ يَوْمَ أَضَعْتَ خَدَّكَ، إِفْتَرَسْتَ الذَّنَابَ وَ افْتَرَسْتَ
الثَّرَابَ، مَا كَفَفْتَ قَائِلًا وَ لَا أَعْتَيْتَ بَاطِلًا وَ لَا خِيَارِي، لَيْتَنِي مِثَّ قَبْلَ
هَنِيئَتِي وَ دُونَ ذَلِكَ، عَذِيرِي اللَّهُ مِنْكَ عَادِيًا وَ مِنْكَ حَامِيًا.

جبرئیل با آیات الهی مونس ما بود، و بعد از تو تمام خیرها پوشیده



شد.

ای کاش پیش از تو مرده بودیم، آنگاه که رفتی و خاک ترا در زیر خود پنهان کرد.

آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام به خانه بازگشت و حضرت علی علیهالسلام در انتظار او بسر برده و منتظر طلوع آفتاب جمالش بود، وقتی در خانه آرام گرفت به حضرت علی علیهالسلام فرمود:

ای پسر ابوطالب! همانند جنین در شکم مادر پرده‌نشین شده، و در خانه اتهام به زمین نشستهای، شاه‌پرهای شاهین را شکسته، و حال آنکه پرهای کوچک هم در پرواز به تو خیانت خواهد کرد. این پسر ابی‌قحافه است که هدیه پدرم و مایه زندگی دو پسر را از من گرفته است، با کمال وضوح با من دشمنی کرد، و من او را در سخن گفتن با خود بسیار لجوج و کینه‌توز دیدم، تا آنکه انصار حمایتشان را از من باز داشته، و مهاجران یاریشان را از من دریغ نمودند، و مردم از یاریم چشم‌پوشی کردند، نه مدافعی دارم و نه کسی که مانع از کردار آنان گردد، در حالی که خشمم را فروبرده بودم از خانه خارج شدم و بدون نتیجه بازگشتم.

آنروز که شمشیرت را بر زمین نهادی همان روز خویشتن را خانه‌نشین نمودی، تو شیرمردی بودی که گرگان را می‌کشتی، و امروز بر روی زمین آرمیده‌ای، گوینده‌ای را از من دفع نکرده، و باطلی را از من دور نمی‌گردانی، و من از خود اختیاری ندارم، ای کاش قبل از این کار و قبل از اینکه این چنین خوار شوم مرده بودم، از اینکه اینگونه



سخن می‌گویم خداوند اذرا می‌خواهم، و یاری و کمک از جانب تو ست.
 وَيَلَايَ فِي كُلِّ شَارِقٍ، وَيَلَايَ فِي كُلِّ غَارِبٍ، مَاتَ الْعَمَدُ وَوَهَنَ
 الْعَضُدُ، شَكَوَايَ إِلَى أَبِي وَعَدَوَايَ إِلَى رَبِّي، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ
 حَوْلًا، وَأَشَدُّ بَأْسًا وَتَنَكُّيلًا.

فقال امير المؤمنين عليه السلام:

لا وَيَلْ لَكَ، بَلِ الْوَيْلُ لِشَانِيكَ، نَهْنَهْنِي عَن وُجْدِكَ، يَا ابْنَةَ الصَّفْوَةِ وَ
 بَقِيَّةَ الثُّبُوءِ، فَمَا وَتَيْتُ عَن دِينِي، وَ لَا أَخْطَأْتُ مَقْدُورِي، فَإِن كُنْتِ
 تُرِيدِينَ الْبُلْغَةَ فَرِزْقِكَ مَضْمُونٌ، وَ كَفِيلُكَ مَأْمُونٌ، وَ مَا أُعِدُّ لَكَ أَفْضَلُ
 مِمَّا قَطَعَ عَنكَ، فَاحْتَسِبِي اللَّهَ. فقالت: حَسْبِي اللَّهُ، وَ أَمْسَكَتِ.

از این پس وای بر من در هر صبح و شام، پناهم از دنیا رفت، و
 بازویم سست شد، شکایتم بسوی پدرم بوده و از خدا یاری می‌خواهم،
 پروردگارا نیرو و توانت از آنان بیشتر، و عذاب و عقابت دردناکتر است.

حضرت علی علیه‌السلام فرمود: شایسته تو نیست که وای بر من
 بگویی، بلکه سزاوار دشمن ستمگر تو ست، ای دختر برگزیده خدا و ای
 باقیمانده نبوت، از اندوه و غضب دست بردار، من در دینم سست نشده و
 از آنچه در حدّ توانم است مضائقه نمی‌کنم، اگر تو برای گذران روزیت
 ناراحتی، بدانکه روزی تو نزد خدا ضمانت شده و کفیل تو امین است، و
 آنچه برایت آماده شده از آنچه از تو گرفته شده بهتر است، پس برای
 خدا صبر کن.

حضرت فاطمه علیها‌السلام فرمود: خدا مرا کافی است، آنگاه ساکت



پی نوشت:

- ۱- النمل: ۱۶
- ۲- مریم: ۶
- ۳- الاحزاب: ۶
- ۴- النساء: ۱۱
- ۵- البقره: ۱۸۰
- ۶- آل عمران: ۱۴۴





از بُعد مجاهدت و حضور در صحنه‌ی تصمیم‌گیریهای عظیم اجتماعی فاطمه زهرا در قلّه قرار دارد. یعنی بعد از رحلت پیغمبر، در قضیه خلافت، زهرای اطهر سلام‌الله‌علیها، با همه‌ی وجود با سخنش، با علمش، با تلاشش، با همه‌ی جسمش وارد میدان شد. ۱۷/۰۹/۱۳۷۲
زندگی جهادی فاطمه‌ی زهرا بسیار عظیم، بی‌نظیر و یک نقطه‌ی درخشان و استثنایی است. اما مقام معنوی این بزرگوار، نسبت به مقام جهادی و انقلابی و اجتماعی او، باز به مراتب بالاتر است.

۱۳۶۸/۱۰/۲۶

